

جن در قرآن و سنت

نوشته:

حسین تاجی گله داری

این کتاب از سایت کتابخانه‌ی عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.shabnam.cc

www.kalemeh.tv

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.zekr.tv

www.mowahedin.com

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.nourtv.net

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

مقدمه	۳
توکل بر خدا واجب است.....	۵
ایمان به غیبت	۸
جن	۸
دلیل از قرآن کریم	۸
دلیل از سنت	۹
عدم رؤیت دلیل بر عدم وجود نیست	۱۱
جن از چه چیزی آفریده شده است؟.....	۱۲
چگونه جنهای کافر با آتش عذاب داده می‌شوند؟	۱۲
آیا جن مکلف است؟	۱۴
انواع جن	۱۴
جای سکونت جن	۱۵
آیا جن می‌خورد و می‌نوشد؟	۱۶
جن خود را بشکل و صورتهای مختلف در می‌آورد.....	۱۶

- ۱۷..... پناه بردن به جن حرام است
- ۱۸..... قربانی کردن برای جن حرام است
- ۱۹..... کمک خواستن از جن حرام است
- ۱۹..... آیا جن به مردم آزار و اذیت می‌رساند؟
- ۱۹..... صرع و جن زدگی
- ۲۰..... ذکر ادله
- ۲۰..... اول- دلیل از قرآن کریم:
- ۲۰..... دوم- دلیل از سنت:
- ۲۲..... علت جن زدگی چیست؟
- ۲۲..... ما در اینجا بنخاطر خلاصه به ذکر علل جن زدگی می‌پردازیم.....
- ۲۳..... و نشانه‌های جن زدگی
- ۲۳..... نشانه‌های جن زدگی در خواب عبارت است از
- ۲۴..... نشانه‌های جن زدگی در بیماری
- ۲۴..... مشروعیت علاج مس (جن زدگی)
- ۲۵..... صفات علاج کننده
- ۲۶..... کیفیت علاج
- ۲۶..... مرحله اول: قبل از معالجه:
- ۲۶..... مرحله دوم: علاج
- ۳۶..... مرحله سوم: بعد از علاج:
- ۳۷..... چند نصیحت برای در امان بودن از شر جن

مقدمه

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلي آله وصحبه أجمعين.

خداوند در این جهان پهناور بنابر حکمت خویش موجودات زیادی آفریده است، و هر کدام را برای هدفی خلق کرده است بسیاری از این موجودات با چشم دیده می‌شوند و بسیاری هم قابل رؤیت نیستند، یکی از این موجودات که قابل رؤیت نیستند، جنها هستند که خداوند آنها را مثل انسانها برای عبادت آفریده است. ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶]. آنها موجودات غیبی هستند که قرآن و سنت از آنها صحبت نموده و ایمان آوردن به آنها لازم و ضروری است بطوریکه علمای اسلام اتفاق نظر دارند که هر کس وجود جن را انکار نماید از دایره اسلام خارج می‌شود، زیرا وی در حقیقت قرآن کریم و سنت رسول الله ﷺ را انکار و تکذیب نموده است.

البته مردم تصورات مختلف و گوناگونی در باره جن دارند، که تصور آنها بستگی به میزان علم و آگاهی آنها دارد.

در جامعه کنونی ما در اثر غفلت از ذکر خدا، و عدم پرهیز از محرمات، و سست شدن پایه‌های اعتقادی، شیطان بر آنان را دچار سر در گمی نموده و از صراط مستقیم منحرف نموده است. زیرا هر چه انسان از خدا دور شود شیطان به وی بیشتر نزدیک می‌شود.

مسئله جن زدگی و راههای علاج آن یکی از مسائل است که این روزها اذهان بسیاری از مسلمانان را بخود مشغول ساخته است، برخی با رفتن به نزد جادوگران و از راه سحر و جادو و طلسمهای شیطانی و برخی دیگر با توسل به راههای مختلف دیگر، خواهان علاج و شفا از این بیماری هستند، و اگر آنها را از این کارها منع کنیم خواهند گفت: پس راه شرعی آن، در پرتو قرآن و سنت چیست؟

یکی از دوستان از اینجانب خواستند که در زمینه وجود جن و جن زدگی و راه علاج شرعی آن مطالبی بزبان فارسی جمع‌آوری نمایم تا پاسخگوی این عده عزیزان باشد.

بنده با وجود اینکه از نوشتن چنین بحث و وضعی قاصر و ناتوان بود ولی با استعانت از خداوند تقاضای آن دوست عزیز را لبیک گفتم، و کتاب حاضر را به رشته تحریر در آوردم و همچنین به فرمان رسول الله ﷺ جامعه عمل پوشیده باشم، که می‌فرماید: «کسی که می‌تواند به برادرش نفع و فایده ای برساند، دریغ ننماید».

و امیدوارم که این کتاب راهنمایی باشد برای برادران مسلمانم و وسیله نجات ما در روز قیامت باشد، آن روزی که مال و دارایی بکار نیاید.

در پایان از خداوند بزرگ مسئلت دارم که همگی ما را از شر شیطان انس و جن محفوظ بدارد.

التماس دعای خیر

حسین تاجی گله داری

۲۰ رجب ۱۴۲۱ هجری

آبان ۱۳۷۹ شمسی

توکل بر خدا واجب است

توکل بر خداوند بزرگ امری است مطلوب و محبوب و خداوند به آن امر نموده و مردم را بسوی آن رغبت داده و متوکلین را ستوده است.
فرموده:

﴿وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [المائدة: ۲۳].

«و اگر مؤمن هستید بر خدا توکل کنید».

حال اگر ما مؤمن حقیقی هستیم، باید که بر پرور دگارمان توکل کنیم.

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ [الطلاق: ۳].

«و هر کس بر خدا توکل کند، خدا او را کافی است».

﴿رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ [الممتحنة: ۴].

«پروردگارا! ما بر تو توکل کردیم و به سوی تو باز گشتیم و بازگشت به سوی تو است».

﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ﴾ [الفرقان: ۵۸].

«و توکل کن بر آن زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد».

همانا توکل صادق و حقیقی بر خداوند، تعلق قلب به الله واحد، لذت و شیرینی دارد که شخص مؤمن آن را در قلب خود می‌یابد، و اگر کوههای دنیا بر پشتش گذاشته شود و مصیبت‌ها به وی هجوم آورد، و بیماری‌ها بر او چیره شود هرگز لبخند رضایت و قبول از وی دور نمی‌شود.

حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه می فرماید: «حسبنا الله ونعم الوکیل» کلمه‌ای است که حضرت ابراهیم علیه السلام هنگامیکه در آتش انداخته شد فرمود، و محمد صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامیکه گفته شد: ﴿إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ [آل عمران: ۱۷۳]. «همانا مردم برای مقابله با شما نیرو جمع آوری کرده‌اند پس از آنها بترسید، آنان ایمانشان فزونی یافت و گفتند: ﴿حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ یعنی: خدا ما را بس است و چه نیک کارسازی است».

ابراهیم خلیل الله، بت شکن زمان، پدر پیامبران علیهم السلام به ما چگونگی توکل بر خدا را می آموزد، ابراهیم در محیط و سرزمین کفر زندگی می کرد، و پدرش مشرک بود و بت می فروخت، ولی ابراهیم از آغاز کودکی توحید و یکتاپرستی در قلبش جای گرفته بود و به شرک و اعمال مشرکین راضی نبود، می بینیم که او تبر را بر دوش می گیرد و روانه بتکده می شود و با دست مبارکش بتها را ریزه ریزه می کند و تبر را بر دوش بت بزرگ گذاشته و از بتخانه بیرون می شود... پس سزایش چنین بود که او را زندانی کردند و گودالی عمیق کردند و هیزم زیادی جمع آوری نمودند، حتی پیرزنان و کودکان زیادی در جمع آوری هیزم شرکت کردند، آنگاه آتش افروخته شد سپس ابراهیم علیه السلام را در منجنیق گذاشتند و درون آن آتش انداختند، او قلبش وابسته به خدا بود و توکلش بر او بود و گفت: (حسبی الله).

پس در آن وقت دشوار و سخت پرور دگارش به فریادش میرسد و ندای الهی می آید: ﴿قُلْنَا يَنَّا رُكُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ﴾ [الأنبياء: ۶۹]. «گفتیم: ای آتش، بر ابراهیم سرد و سلامت شو».

آنگاه آن آتش شعله ور به باغی سرسبز مبدل می گردد و آتش به وی ضرری نمی رساند، مشرکین در اطراف آتش جمع شده بودند و منتظر نتیجه بودند، پس ابراهیم علیه السلام صحیح و سلامت از آتش بیرون می آید.

بر آن مردم مؤمن راستگو چو اینگونه گفتند قومی راستگو
 شما را کشاندند در تنگنا ببايد بترسيد از آن و غا
 نه تنها ترسند آن قوم راد که ایمانشان هم بگردد زیاد
 بگفتند ما راست کافی خدا نگهبان نیکی است آن کبریا

و معنای توکل این نیست که انسان اسباب را رها کند، بطور مثال معقول نیست که یک انسانی در خانه‌اش و بر رختخوابش بنشیند، و منتظر رزق و روزی باشد که در منزلش وارد شود. در روایات آمده است که روزی عمر بن الخطاب رضی الله عنه عده‌ای از جوانان عبادتگزار را دید که در مسجد نشسته‌اند پس از آنان پرسید: از کجا می‌خورید؟ آنان گفتند: مردم به ما غذا می‌دهند.

او آنان را با دره زد و به آنان گفت: از اینجا بیرون شوید، زیرا که آسمان طلا و نقره نمی‌باراند.

ولی انسان باید معتقد باشد که خداوند مسبب الأسباب است تمام امور به دست خدا و به مشیت و خواست او می‌باشد، بلکه ما می‌بینیم که حتی حیوانات و پرندگان چگونه با گرفتن اسباب با توکل برخداوند صبح زود برای جستجوی روزی خارج می‌شوند. در حدیث آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: «اگر شما توکل می‌کردید بر خداوند حق توکل، هر آینه روزی داده می‌شدید همچنانکه پرندگان روزی داده میشوند، و در هنگام صبح با شکم خالی بیرون می‌رود و شب با شکم پر بر می‌گردد».

از خداوند مسئلت داریم که توکل حقیقی نصیب ما بگرداند و یک لحظه‌ای ما را بر خود وا نگذارد.

ایمان به غیبت

آنچه که بر ما پوشیده است و خدا و رسولش درباره آن به ما خبر داده غیبت می‌باشد، و ایمان به غیبت، یکی از اصول بنیادی عقیده اسلامی می‌باشد بلکه اولین صفتی است که خداوند در قرآن کریم متقین را به آن توصیف نموده و چنین فرموده است:

﴿الَّذِينَ هُمْ لَا يُغَيِّبُونَ﴾ [البقرة: ۱-۳].
بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿۲﴾

ترجمه: «الف، لام، میم، این کتابی است که هیچ شکی در آن نیست و مایه هدایت پرهیز گاران است، آن کسانی که به غیبت ایمان می‌آورند و نماز بر پا می‌دارند و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می‌کنند».

لذا بر هر مسلمانی واجب است که به غیب ایمان داشته باشد، ایمانی که شک به آن راه نداشته باشد.

جن

از چیزهای غیبی که ایمان داشتن به آن واجب است ایمان داشتن به وجود جن می‌باشد، ادله بسیاری در قرآن کریم و سنت مطهره درباره وجود آنها ذکر شده است.

دلیل از قرآن کریم

۱- ﴿وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ﴾ [الأحقاف: ۲۹].

«(به یاد آور ای پیامبر) هنگامی که گروهی از جن را نزد تو روانه کردیم که قرآن را

بشنوند».

۲- ﴿يَمْعَشَرُ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ ءَايَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا﴾ [الأنعام: ۱۳۰].

«ای گروه جن و انس! آیا رسولانی از شما به سوی شما نیامدند که آیات مرا برایتان باز گو می کردند و شما را از ملاقات چنین روزی بیم می دادند؟!».

۳- ﴿يَمْعَشَرُ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنْ أَصْطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَفْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَنِ ﴿٣٣﴾﴾ [الرحمن: ۳۳].

«ای گروه جن و انس! اگر می توانید از مرزهای آسمانها و زمین بگذرید، پس بگذرید، ولی هر گز نمی توانید مگر با نیرویی (عظیم و فوق العاده ای)».

۴- ﴿قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا ﴿١﴾﴾ [الجن: ۱].

«بگو: به من وحی شده است که جمعی از جن به سخنانم گوش فرا داده اند، سپس گفته اند: ما قرآن عجیبی شنیده ایم».

۵- ﴿وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ﴿٦﴾﴾ [الجن: ۶].

«و اینکه مردانی از بشر به مردانی از جن پناه می بردند، و آنها سبب افزایش گمراهی و طغیانشان می شدند».

دلیل از سنت

۱- امام مسلم از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت می کند که فرمود: شبی همراه

رسول الله صلی الله علیه و آله بودیم، ناگهان او را نیافتیم، پس در وادی و دره ها وی را جستجو کردیم، پس گفتیم که: ربوده شده، یا ترور شده است، پس به بدترین حالت، شب گذرانیدیم، هنگامی که صبح کریم، دیدیم که او از

طرف حراء می‌آید، پس گفتیم: جستجوی شما را کردیم و نیافتیم، سپس به بدترین حالت شب گذراندیم!

آنگاه رسول الله ﷺ فرمود: «فرستاده جن نزد من آمد، پس به همراه او رفتم، و بر آنان قرآن خواندم».

عبدالله می‌گوید: سپس همراه ما براه افتاد، و اثر آنان و اثر آتش آنها به ما نشان داد و درباره توشه از رسول الله ﷺ پرسیده بودند، پس به آنان فرموده بوده:

«هر استخوانی که نام خدا بر آن برده شده، برای شماست، وقتی که بدست تان می‌رسد گوشت بسیار خواهد داشت و هر پشکلی علفه ی حیوانات تان خواهد بود». سپس رسول الله ﷺ فرمود:

«پس با این دو استنجاء نکنید، زیرا که غذای برادرانتان (جن) می‌باشد»^۱.

۲- از ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله ﷺ به من فرمود: «همانا می‌بینم که تو گوسفند و صحرا نشینی را دوست داری، پس هر گاه در بین گوسفندان و در بادیه ات بودی، آن گاه برای نماز اذان دادی، پس صدایت را بلند کن، زیرا که صدای مؤذن را جن و انس و چیزی دیگری نمی‌شنود مگر اینکه در روز قیامت برای او گواهی می‌دهد»^۲.

۳- از عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که گفت:

رسول الله ﷺ همراه با گروهی از یارانش به سوی بازار عکاظ رفتند، در حالی که بین شیاطین «جن» و اخبار آسمان پرده و مانع ایجاد شده بود، و آتش پاره «شعله‌ی آتش» به سویشان انداخته شده بود.

پس شیاطین «جنیها» به سوی اقوامشان باز گشتند، پس آنها گفتند: شما را چه شده است؟ گفت:

۱- صحیح مسلم: ۴۵۰.

۲- صحیح بخاری: ۶۰۹.

در میان ما و خبر آسمان پرده و مانع ایجاد شده، آتش به سوی ما انداخته شده است.

گفتند: بین شما و خبر آسمان پرده ایجاد نشده مگر بخاطر حادثه ای که رخ داده است. پس به سوی شرق و غرب زمین بروید ببینید چه چیزی سبب حائل شدن بین شما و خبر آسمان شده است.

سپس آن گروهی که به سوی تهامه رفته بودند، به بازار عکاظ رسیدند و رسول الله ﷺ همراه اصحابش در نخله نماز صبح را می خواندند سپس آنان هنگامی که قرآن را شنیدند به آن گوش فرا دادند. آنگاه گفتند: قسم به خدا این آن چیزی است که بین ما و خبر آسمان مانع ایجاد کرده است، پس هنگامی که نزد قومشان برگشتند، گفتند: ای قوم ما، بدون شک که ما قرآن عجیبی شنیده ایم که به سوی رشد هدایت می کند پس به آن ایمان آورده ایم، و کسی را با پروردگارمان شریک نمی گیریم.

پس خداوند بر پیا مبرش ﷺ نازل فرمود:

﴿قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ أُسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ﴾ [الجن: ۱].

عدم رؤیت دلیل بر عدم وجود نیست

عدم رؤیت جن دلیل بر عدم وجود آنها نیست، چه بسا چیزهای در اطراف ما وجود دارد ولی ما آنها را نمی بینیم، بطور مثال برق جریان دارد ولی ما آن را نمی بینیم، لیکن برای اثبات آن به اثر آن در لامپ و غیره استدلال می کنیم، و همچنین هوایی که بوسیله آن وجود آن را احساس می کنیم.

بلکه روح که اساس زندگی ما بر آن استوار است و بدن آن می میریم، با وجود اینکه آن را نمی بینیم و حقیقت آن را نمی شناسیم، به موجود بودن آن ایمان داریم. و چیزهای دیگری مثل جاذبه زمین، نیروی آهن ربا (مغناطیس) و غیره نیز می توان نام برد.

جن از چه چیزی آفریده شده است؟

بطور قطعی و یقین آیات قرآنی و احادیث نبوی بر این دلالت دارند که جن از آتش آفریده شده است و خداوند می‌فرماید: ﴿وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّنْ نَّارٍ ۖ﴾ (الرحمن: ۱۵). «و جن را از شعله آتش خلق کرد».

حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنه می‌فرماید: «من مارج من نار» یعنی: از آتش خالص. و در روایت دیگر می‌گوید: از شعله‌های آتش^۱.

و خداوند می‌فرماید: ﴿وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَّارِ السَّمُومِ﴾ (الحجر: ۲۷). «و جن را پیش از آن، از آتش گرم و سوزان خلق کردیم».

و ابلیس هنگامی که به سجده کردن برای آدم امر شد چنین گفت: ﴿قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ﴾ [الأعراف: ۱۲]. یعنی: «من از او (آدم) بهترم مرا از آتش آفریده‌ای، و او را از خاک آفریده‌ای».

و عایشه ام المؤمنین رضی الله عنها می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «فرشتگان از نور آفریده شده‌اند، و جن از آتش آفریده شده، و آدم از آنچه که برای شما توصیف شده آفریده شده است»^۲.

چگونه جنهای کافر با آتش عذاب داده می‌شوند؟

این سؤال است که خیلی‌ها مطرح می‌سازند، و اگر آنها اندکی تفکر و اندیشه نمایند جواب این پرسش را خواهند فهمید.

پر واضح است که انسان از خاک آفریده شده است ولی اکنون او خاک نیست، فقط اصل وی از خاک بوده است. جن نیز چنین است از آتش آفریده شده ولی

۱- به تفسیر ابن کثیر (۷ / ۶۵۲) «سوره الرحمن» رجوع شود.

۲- این حدیث را امام مسلم (۲۹۹۶) روایت کرده است.

اکنون وی آتش نیست دلایل بسیاری در این زمینه وجود دارد.

حضرت عایشه رضی الله عنها می فرماید: رسول الله صلی الله علیه و آله در حالی که نماز می خواندند شیطانی نزدش آمد، آنگاه رسول الله صلی الله علیه و آله او را محکم گرفت و گلویش را فشار داد. و رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «آنقدر گلویش را فشار دادم، تا اینکه سردی زبانش بر دستم احساس نمودم»^۱.

از این حدیث چنین نتیجه می گیریم که جن اکنون آتش نیست، زیرا اگر آتش می بود رسول الله صلی الله علیه و آله سردی زبان شیطان را بر دست خود احساس نمی کرد. و در حدیث دیگری آمده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «دشمن خدا، ابلیس، شعله ای از آتش جهت قرار دادن آن در چهره ام آورد...»^۲.

از این حدیث چنین می فهمیم که اگر شیطان بر کفیتی که آفریده شده یعنی (آتش) باقی می بود احتیاجی برای آوردن شعله ای از آتش نداشت. و همچنین رسول الله فرموده است: «شیطان مانند خون در رگ انسان حرکت می کند»^۱.

پس اگر بحالت خودش باقی می بود هر آینه جسد انسان را می سوزاند. و باید گفت: انسانی که از خاک آفریده شده است شکنجه دادن آن بوسیله خاک ممکن می باشد و همچنین می توان آن را با آب عذاب و شکنجه کرد، پس هیچ جای تعجبی نیست که شیطان و جنی که از آتش آفریده شده بوسیله آتش شکنجه و عذاب شود، زیرا که خداوند بر هر چیز قادر و توانا است.

۱- این حدیث صحیح است، و امام نسائی در سنن کبری (۱۱۴۳۹) روایت کرده است.

۲- امام مسلم روایت کرده است شماره (۵۴۲).

۳- این حدیث را امام بخاری (۳۲۸۱) و امام مسلم (۲۱۷۴) روایت کرده اند.

آیا جن مکلف است؟

می‌گوئیم: بله، جن نیز مانند انسان مکلف به تکالیف شرع است.

بدلیل فرموده خداوند: ﴿يَمْعَشَرُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمُ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا﴾ [الأنعام: ۱۳۰].

«ای گروه جن و انس! آیا پیامبرانی از شما به سوی شما نیامدند که آیات مرا برایتان بازگو می‌کردند و شما را از ملاقات چنین روزی بیم می‌دادند؟!».

و همچنین بدلیل آیه: ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۱۳].

«پس (ای گروه جن و انس) کدامین نعمتهای پروردگارتان را انکار می‌کنید».

و علمای اسلام براین مطلب اتفاق نظر دارند که جن نیز مانند انسان مکلف می‌باشد.

و خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [۶۱].

[الذاریات: ۵۶]. «من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند».

در نتیجه جن نیز برای عبادت و بندگی آفریده شده است پس پاداش صالحان و نیکو کارانش بهشت و کیفر کافران و ظالمان و بد کارانشان دوزخ می‌باشد.

و همچنین در ابواب گذاشته ذکر نمودیم که رسول الله ﷺ برای خواندن قرآن و بیان احکام دین نزدشان رفتند، پس بر این دلالت دارد که آنها نیز مکلف به امور شریعت و دین اسلام می‌باشند.

انواع جن

جن انواع گوناگون هستند، در حدیث آمده است که رسول الله ﷺ فرموده است:

«جن سه صنف و نوع هستند، یک نوعی از آنها پر دارند و در هوا پرواز می‌کنند، و نوعی دیگر مارها و عقربها هستند، و نوع سوم آنها سکونت می‌کنند و کوچ نمی‌نمایند»^۱.

۱- حدیث صحیح است، امام طبرانی در معجم الکبیر (۲۱۴/۲۲) و ابن حبان در صحیح (۶۱۵۶) و حاکم در مستدرک (۴۵۶/۲) روایت کرده‌اند.

جای سکونت جن

جن بیشتر جاهای خلوت و صحرا، مکانهای که در آن کسی زندگی نمی‌کند، می‌پسندد، و بدین خاطر بود که رسول الله ﷺ برای دعوت دادن آنان بسوی الله و خواندن قرآن برایشان به صحرا می‌رفتند، چنانکه در احادیث آمده است.

و برخی دیگر از جنها در جاهای کثیف و زباله سکونت می‌کنند، و این بخاطر اینست که آنها باقی مانده غذای انسانها را می‌خورند چنانکه در حدیث ذکر شده است. برخی دیگر آنها همراه انسانها در منازل سکونت می‌کنند.

و همچنین در حمامها و دستشویها (توالت) نیز زندگی می‌کنند، در این جاها بیشتر جنهای کافر زندگی می‌کند زیرا که آنها جاهای نجس و کثیف را بیشتر دوست دارند و از بوی خوب بخصوص بوی مشک بدشان می‌آید.

و همچنین در شکافها و سوراخها نیز زندگی می‌کند، در حدیث آمده است که: «رسول الله ﷺ از ادرار کردن در سوراخ نهی نموده است»^۱.

از قتاده یکی از راویان این حدیث پرسیده شد: برای چه ادرار در سوراخ کراهت دارد؟ گفت: گفته می‌شود که محل سکونت جن می‌باشد.

و جن در محل خوابیدن شتر نیز زندگی می‌کنند چنانکه در حدیث آمده است: براء بن عازب رضی الله عنه گوید: از پیامبر ﷺ درباره نماز خواندن در استراحت‌گاه شتران سوال کردند، پیامبر ﷺ فرمود: «لَا تَصَلُّوا فِي مَبَارِكِ الْإِبِلِ فَإِنَّهَا مِنَ الشَّيَاطِينِ» «در استراحت‌گاه شتران نماز نخوانید چون از شیاطین است»^۱.

۱- ابو داود بشماره (۲۹) و نسائی بشماره (۳۴) و احمد (۸۲/۵) و حاکم (۱۸۶/۱) روایت کرده‌اند.

۲- سنن أبی داود ۱/۱۸۴، حدیث: ۴۹۳، شیخ آل‌بانی می‌گوید: صحیح است.

آیا جن می خورد و می نوشد؟

احادیث صحیح وارد شده است که جن می خورد و می نوشد، حضرت ابو هریره رضی الله عنه روایت می کند او همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بود، و برای ایشان آب برای قضای حاجت و وضویش با خود حمل می کرد، روزی همراه با آب دنبال رسول الله صلی الله علیه و آله می رفت پس رسول الله فرمود: این کیست؟ وی گفت: من ابو هریره هستم، رسول الله فرمود: «برایم چندین سنگ جهت طهارت گرفتن بیار، و استخوان و سرگین نیار»، پس من سنگها را در حالی که در پیراهن خود گرفته بودم آوردم و نزد رسول الله گذاشتم، تا اینکه ایشان فارغ شدند همراه ایشان به راه افتادم سپس عرض کردم: استخوان و سرگین چه کارشان است؟

فرمود: «آن دو غذای جن می باشد، چونکه وفد جن نصیین نزد من آمدند- و چه جن خوبی- آنگاه از من توشه طلب کردند، من برایشان از خدا خواستم و دعا کردم که به هیچ استخوان و سرگینی گذر نکنند مگر اینکه برآن غذا بیابند»^۱.
و حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت می کند که: «خواست غذا بخورد پس با دست راست بخورد، و هر گاه خواست آب بنوشد پس با دست راست بنوشد، زیرا که شیطان با دست چپ غذا می خورد و بادست چپ آب می نوشد»^۲.

جن خود را بشکل و صورت های مختلف در می آورد

خداوند بزرگ و قادر این قدرت را به جن داده تا خود را به صورت های مختلف و گوناگون در آورند، و در احادیث بسیار این حقیقت ثابت می باشد که آنها بیشتر بصورت سگ سیاه، گربه سیاه، و مار و عقرب برای انسان ظاهر می گردند.

۱- امام بخاری (۳۸۶۰).

۲- امام مسلم (۲۰۲۰) روایت کرده است.

و همچنین جن بشکل و صورت انسانها نیز ظاهر می‌گردد چنانکه در روز بدر شیطان به صورت سراقه بن مالک برای مشرکین ظاهر شد و گفت: امروز کسی بر شما غلبه نمی‌کند و من حامی و پشتیبان شما هستم.^۱

همچنین جن خود را به شکل شتر، گاو، گوسفند، اسب و قاطر و الاغ، و پرندگان نیز در می‌آورد...

پس اگر جن در صورت و شکلهای که گفتیم آشکار شود می‌توانیم آنها را مشاهده کنیم و در صورت و شکل اصلی که خداوند آنها را آفریده است دیدن آنها ممکن نیست چنانکه در قرآن کریم آمده است:

﴿إِنَّهُ يَرَلُّكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ﴾ [الأعراف: ۲۷]. «شیطان و همدستانش شما را می‌بینند از جایی که شما آنها را نمی‌بینید».

پناه بردن به جن حرام است

خداوند در قرآن کریم از زبان جن حکایت می‌کند که گفتند: ﴿وَأَنَّهُوَ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا﴾ [الجن: ۶].

امام ابن کثیر در تفسیر این آیه می‌نویسد: یعنی ما جنیها چنین می‌پنداشتیم که برانسانها برتری داریم زیرا که آنها هرگاه در دره ای یا جای و حشتی در صحرا و بیابان منزل جاهلیت اینچنین بود که به بزرگ جن در آن منطقه و مکان پناه می‌بردند مبادا که به آنها بدی و آسیبی برسد، پس جنیها هنگامی که دیدند انسانها از آنها ترس و وحشت دارند، سعی کردند بیشتر آنها را مرعوب کرده و بترسانند، تابیشتر به آنها پناه بیاورند...^۱

پناه بردن به جن شرک است، و خداوند چیزی بهتر از این به ما عطا کرده است،

۱- به سیره ابن هشام (۵۳۶/۱) و تفسیر ابن کثیر (۹۳/۴) رجوع شود.

۲- به تفسیر ابن کثیر (۳۱۰/۸) سوره جن رجوع شود.

خوله دختر حکیم می گوید، از رسول الله ﷺ شنیدم که می فرماید:

«هرگاه یکی از شما در جایی منزل گرفت، آنگاه أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ»^۱ بگوید، تا زمانیکه در آن منزل هست و کوچ نکرده چیزی به وی آسیب نمی رساند»^۲.

قربانی کردن برای جن حرام است

علمای اسلام بر این مسئله اتفاق نظر دارند که برای جن قربانی کردن حرام، بلکه شرک است، زیرا که این قربانی برای غیر خدا است، و هرگز خوردن گوشت آن برای مسلمان روا نیست چه رسد به اینکه شخص مسلمان این کار را انجام دهد.

باید ذبح و قربانی برای تقرب به درگاه الهی انجام بگیرد، و کسی که برای غیر خدا ذبح می کند در شریعت اسلام ملعون نامیده شده است.

حضرت علی بن ابی طالب رضی الله عنه از رسول الله ﷺ روایت می کند، که فرمود: «خداوند لعنت کند کسی که برای غیر از خدا ذبح می کند»^۱.

ولی با وجود این افراد جاهل و نادانی دیده می شود که برای گشودن سحر با علاج شخص مصروع (جن زده) نزد ساحر و آن کسانی که با جن رابطه دارند می روند.

و آنها نیز حیوان های با اوصاف خاص طلب می کنند، سپس آن را ذبح می کنند و خون آن را به بدن مریض می مالند، آنگاه دستور میدهند که آن را در فلان چاه بیندازند، و در هنگام انداختن نام خدا را نگیرند، اگر چه همان ذبح برای جن است که از آن نهی شده است، اگر چه آن ساحر نگوید که: برای جن ذبح می کند، چونکه اعمال و کردار انسان بستگی به نیت دارد.

۱- پناه می برم به کلمه های کامل پروردگار از شر آنچه که آفریده است.

۲- امام مسلم (۲۷۰۸) روایت کرده است.

۳- امام مسلم (۱۹۷۸).

کمک خواستن از جن حرام است

راه و روش سحرگران و شعبده بازان بر کمک و مدد جستن از جن و شیاطین استوار است، و مدد خواستن از غیر خداوند شرک است، باید بگویم که: شیطان و جن هیچ وقت خدمتی برای ساحر انجام نمی‌دهند مگر در صورتی که سحر گر با گفتن سخنی کفر آمیز و یا با انجام دادن عمل کفری کافر گردد، و هر چه بیشتر نافرمانی و سرپیچی امر خداوند بکند شیاطین بیشتر به او نزدیک می‌شوند، و اطاعتش را بیشتر بجا می‌آورند، این تعویذات و طلسمهای که افراد ساحر می‌نویسند بیشتر آنها کلمات شرک آمیز و کفر است که با حروف غیر مفهوم نوشته‌اند. و همچنین طلب مدد از اولیای جن و شیاطین می‌باشد. هر چند که بعضی از کلمات و آیات قرآن برای فریب دادن مردم نادان با آن شامل می‌کنند تا مردم چنین گمان کنند که آنها با استفاده از کلمات قرآن تعویذ و دعا می‌نویسند.

آیا جن به مردم آزار و اذیت می‌رساند؟

با دلایل مختلف نقلی و عقلی ثابت شده که جن به انسان آزار و اذیت می‌رساند. و این آزار و اذیت یا بدین خاطر است که انسان به خاطر آنها آزار رسانده مثلاً برسرشان آب گرم ریخته یا برآنان ادرار کرده، یا اینکه در منزلشان منزل نموده، پس از وی انتقام می‌گیرند و به وی آزار و اذیت می‌رسانند.

و یا بدون هیچ گونه علت و سببی می‌خواهند به وی آزار برسانند. و این فقط یک نوع ظلم و ستم است همچنانکه انسانها هنگامی که سرشتشان دگرگون می‌شود و ایمانشان ضعیف می‌گردد، برخی نسبت به برخی دیگر ستم روا می‌دارند.

صرع و جن زدگی

صرع عبارت است از اختلالی که در عقل انسان بوجود می‌آید، بطوری که نداند چه می‌گوید و چه گفته است، و شخص مصروع قادر به کنترل حرکات خود نیست.

و صرع بر دو نوع است: ۱- صرع توسط نفوس و ارواح خبیث و بد (که همان جن زدگی است) ۲- صرع بخاطر اخلاط.

و این نوع صرع، اطباء درباره سبب و علاج آن سخن می‌گویند، و نوع اول آن بسیاری از اطباء و عقلائیها آن را انکار می‌کنند ولی باید بگوئیم که این نوع از انواع صرع با نقل و عقل ثابت شده و چیزی است که مشاهده می‌شود و جای انکار نیست.

ذکر ادله

اول- دلیل از قرآن کریم:

خداوند می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ﴾ [البقرة: ۲۷۵]. «کسانی که ربا می‌خورند (در روز قیامت) بر نمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان دیوانه شده ...».

امام قرطبی می‌گوید:

«این آیه دلیل است بر باطل بودن گفتار کسانی که صرع توسط جن را انکار کرده‌اند، و گفته‌اند: شیطان در بدن انسان راه ندارد ...»^۱.

دوم- دلیل از سنت:

۱- عطاء ابن ابی رباح می‌گوید: عبدالله ابن عباس رضی الله عنه به من گفت: آیا می‌خواهی زن بهشتی به تو نشان دهم؟

گفتم: بله، گفت: این زن سیاه، نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمده و عرض کرد یا رسول الله صلی الله علیه و آله من مبتلا به صرع هستم و در وقت صرع بدنم نمایان می‌شود، پس برایم دعا بفرما. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر خواستی صبر کنم و پاداشت بهشت خواهد بود و اگر خواستی برایت از خداوند دعا طلب می‌کنم تا تو را

شفا بدهد؟». پس وی گفت: صبر میکنم، پس گفت: ای رسول الله ﷺ بدنام لخت و نمایان می شود پس از خداوند بخواه تا اینکه نمایان و لخت نشوم، آنگاه رسول الله ﷺ برایش دعا کرد^۱.

در روایت بخاری آمده که نام آن زن ام زفر بود^۲.

امام ابن حجر در فتح الباری می گوید: در روایت بزار آمده که آن زن گفت: «من از خبیث می ترسم که مرا برهنه سازد» و مراد از خبیث شیطان می باشد. و صرعی که ام ظفر به آن مبتلا می بود از انواع صرع «جن زدگی» بود^۱.

۲- امام احمد از یعلی ابن مره روایت می کند: زنی نزد رسول الله ﷺ آمد در حالی که فرزند خرد سالش که بیمار بود «جنی شده بود» با خود همراه آورده بود. آنگاه رسول الله ﷺ فرمود: «بیرون شو ای دشمن خدا، من رسول الله هستم»، در نتیجه آن کودک شفایاب شد^۲.

و در بعضی از الفاظ این حدیث آمده: ما همواره رسول الله ﷺ در سفر بودیم، آنگاه زنی را دیدیم که نشسته است و کودکی همراه وی می باشد. پس عرض کرد: ای رسول خدا، به این کودک بلا رسیده و به بخاطر بلای او ماهم در بلا هستیم، و در شبانه روز نمیدانیم او را می گیرد رسول الله ﷺ فرمود: «کودک را به من بده» آنگاه آن زن کودک را بلند کرد و به رسول الله ﷺ داد رسول الله ﷺ کودک را در میان خود و پالان شترش قرار داد، سپس دهانش را باز کرد و سه بار در آن دمید و فرمودند: «بسم الله إن عبدالله، أقصا عدو الله» آنگاه کودک را به مادرش برگرداند.

۱- این حدیث را بخاری (۵۶۵۲) و مسلم (۲۵۷۶) روایت کرده است.

۲- صحیح بخاری شماره (۵۶۵۲).

۳- به فتح الباری (۱۱۵/۱۰) مراجعه شود.

۴- مسند احمد (۴/۱۷۱، ۱۷۲).

و فرمود: «در هنگام برگشتن در این جا ما را ملاقات کن و ما را از حال او با خبر ساز».

یعلی ابن مره می گوید: پس ما رفتیم و برگشتیم، پس آن زن را در آنجا دیدیم که با خودش سه گوسفند دارد.

آنگاه رسول الله ﷺ فرمودند: «کودکت چگونه است؟» گفت: قسم به آن ذاتی که تو را به حق فرستاده است تا این لحظه چیزی از آن ندیده ایم. و این گوسفندان را بردارید، رسول الله ﷺ به من فرمود: «پائین بیا و یکی را بردار و بقیه به وی برگردان»^۱.

علت جن زدگی چیست؟

شیخ الإسلام ابن تیمه درباره جن زدگی می گوید: گاهی بخاطر عشق و شهوت می باشد، و بیشتر بعلت دشمنی و مجازات صورت می گیرد، یعنی اینکه برخی انسانها به آنها آزار و اذیت برسانند، و یا اینکه جنیها چنین گمان کنند که آنها از روی عمد آزار و اذیتشان می کنند، با ادرار کردن بر آنها، یا با ریخت آب گرم، و یا کشتن بعضی از آنان، اگر چه خود انسان این را نداند، و جهل نادانی و ستم در بین جن بسیار وجود دارد، پس آنان در هنگام عقوبت و مجازات کردن بیش از آنچه که سزاوار باشد عقوبت می دهند. و گاهی اوقات مانند انسانها احمق و نادان بخاطر پوچی و بیهودگی و اذیت کردن وارد بدن انسان می شوند.

ما در اینجا بخاطر خلاصه به ذکر علل جن زدگی می پردازیم

۱- عشق، (پری) زن جنی عاشق مرد انسی شود و یا اینکه مرد جنی عاشق زن انسی شود.

- ۲- داخل شدن جنی از راه سحر، این چنین است که جادوگر بخاطر آزار و اذیت فلان شخص او را مامور داخل شدن به بدنش می‌نماید.
- ۳- ستم انسان به آنها، و یا با ریختن آب گرم بر آنان، و یا با افتادن بر رویشان، و یا با ادرار کردن بر آنان.
- ۴- ستم جن به انسان، و آن اینکه بدون هیچگونه سبب وارد بدنش گردد و او را اذیت نماید و این در یکی از حالات زیر امکان دارد:
 - ۱- خشم زیاد.
 - ۲- ترس بسیار.
 - ۳- غوطه ور بودن در شهوات و گناهان.
 - ۴- غفلت بسیار.
 - ۵- اندوه بسیار.
 - ۶- خوشحالی زیاد

و نشانه‌های جن زدگی

بسیار جن زدگی مانند سایر بیماریها دارای علامت و نشانه‌های خاص خودش می‌باشد، و دانستن این علامت‌ها برای معالجه کننده و اهمیت دارد. و این نشانه بر دو بخش تقسیم می‌شود:

- ۱- علامت و نشانه‌های آن در خواب.
- ۲- علامت آن در حالت بیداری.

نشانه‌های جن زدگی در خواب عبارت است از

- ۱- پریشان بودن و به خواب نرفتن.
- ۲- بار بار بیدار شدن در شب.
- ۳- کابوس، (یعنی: انسان در خوابش چیزی ترسناک می‌بیند و نمی‌تواند حرکت کند و کسی را بفریاد بطلبد).

- ۴- خوابهای وحشتناک.
- ۵- بطور استمرار حیواناتی را مانند: گربه، و سگ، و شتر، و مار، و شیر، و روباه، و موش در خواب دیدن.
- ۶- خنده یا گریه و فریاد در خواب.
- ۷- در خواب ناله کردن.
- ۸- بدون شعور از خواب بلند شدن و در حال خواب راه رفتن.
- ۹- افرادی را در خواب ببیند که دارای قد بسیار بلند یا بسیار کوتاه باشند یا اشخاص سیاهی را ببیند.

نشانه‌های جن زدگی در بیماری

- ۱- درد سر دائمی، (مشروط بر اینکه شخص مبتلا به بیماری در چشم، یا گوش یا بینی یا حلق دندان یا معده نباشد).
- ۲- از ذکر خدا و نماز و عبادت کراهت داشتن.
- ۳- پریشانی خیالی.
- ۴- احساس تنگی در سینه.
- ۵- میل به گوشه نشینی.
- ۶- بخواب رفتن انگشتان دست و پا.
- ۷- درد کردن عضوی از اعضای بدنش که پزشکان از علاج آن عاجز باشند.
- ۸- شنیدن صداهای عجیب و غریب.
- ۹- غش کردن.

مشروعیت علاج مس (جن زدگی)

بدون شک داخل شدن جن به بدن انسان از جمله ظلم و ستمی که شریعت اسلام از آن نهی کرده، و از بین بردن ظلم از جمله کارهای است که به انسان اجر و

پاداش داده می‌شود. و رسول الله ﷺ ما را امر نموده: که به فریاد مظلومان برسیم و آنان را یاری نمائیم. و در حدیثی فرموده: «انصر أخاك ظالما أو مظلوما»^۱. «برادرت را یاری کن خواه ظالم باشد یا مظلوم، اگر ظالم است او را از ستم بازدار که این یاریش می‌باشد».

و در حدیث دیگر فرموده:

«من استطاع أن ينفع أخاه فليفعل»^۲. «کسی که می‌تواند به برادرش فایده ای برساند پس آن کار را انجام دهد».

پس شخص علاج کننده با تلاوت قرآن و خواندن ادعیه و اذکار شرعی به یاری آن مظلوم می‌شتابد تا آن جنی ظالم را از بدن وی بیرون کند.

صفات علاج کننده

- ۱- اخلاص داشته باشد.
- ۲- دارای عقیده صحیح باشد.
- ۳- متمسک و پابند به احکام قرآن و سنت باشد.
- ۴- به راههای شیطان و احوال جن آگاهی داشته باشد.
- ۵- دارای علم و آگاهی باشد، بویژه به اصول دین و امور دعوت.
- ۶- بر طاعت و عبادت خداوند مداومت داشته باشد.
- ۷- از محرّمات اجتناب کند.
- ۸- از بدعت دوری کند.
- ۹- بر ادعیه و اذکار و اوراد محافظت نماید. و...

۱- صحیح بخاری (۲۴۴۴).

۲- صحیح مسلم (۲۱۹۹).

کیفیت علاج

علاج دارای سه مرحله است:

مرحله اول: قبل از معالجه:

- ۱- برخداوند توکل نماید و دعا کند که خداوند گشایشی بدهد و او را در این امر یاری کند.
- ۲- پاک ساختن آن خانه و مکانی که علاج در آن صورت می‌گیرد، با بیرون بردن عکس و چیزهای منکری که مانع ورود فرشتگان می‌گردد.
- ۳- بیرون آوردن تعویذ و دعا‌های که در گردن و بازوی مریض است.
- ۴- امر کردن زنان به رعایت حجاب کامل و اینکه همراه با محرم باشد.
- ۵- برطهارت و پاکیزه بودن، پس شخص معالج و حاضرین وضو بگیرند.
- ۶- چند دقیقه‌ای درباره ایمان بخدا و توکل بر او برای حاضرین صحبت کردن.

مرحله دوم: علاج

دست خود را بر روی سر بیمار بگذارد، و با ترتیل و صدای بلند آیات زیر را گوشش بخواند.

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم.

- ۱- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٢﴾ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣﴾ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿٤﴾ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿٥﴾ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٦﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿٧﴾﴾ [الفاتحة: ۱-۷].^۱

۱- یعنی: «ستایش خدای راست، پروردگار جهانیان * بخشاینده مهربان * خداوند روز جزا * تنها تو را بندگی می‌کنیم و تنها از تو یاری می‌جوییم * ما را به راه راست ره نما * راه کسانی که به آنان انعام کرده‌ای، آنان نه که مورد خشم قرار گرفته‌اند و نه گمراهان».

۲- ﴿الْم ۱﴾ ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿۲﴾ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿۳﴾ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿۴﴾ أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۵﴾ [البقرة: ۱-۵].

۳- ﴿وَاللَّهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿۱۳﴾ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أُنزِلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿۱۶۴﴾﴾ [البقرة: ۱۶۳-۱۶۴].

۴- ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ

۱- ترجمه: «الم (الف. لام. میم) * این کتاب است که شکی در آن [روا] نیست. برای پرهیزگاران رهنماست * کسانی که به غیب ایمان می‌آورند و نماز برپای می‌دارند و از آنچه روزیشان کرده‌ایم انفاق می‌کنند * و کسانی که به آنچه به سوی تو فرو فرستاده شده (قرآن کریم) و به آنچه پیش از تو فرو فرستاده شده (دیگر کتاب‌های آسمانی) ایمان می‌آورند و آنانند که به [جهان] آخرت یقین دارند * اینانند [استوار] بر هدایت از [سوی] پروردگارشان و اینانند که رستگاران».

۲- ترجمه: «و معبودتان، معبود یگانه است. معبود [راستینی] جز او نیست. بخشاینده مهربان است * به راستی در آفرینش آسمانها و زمین و [در پی یکدیگر] آمد و رفت شب و روز و در کشتی‌ای که در دریا برای بهره‌وری مردم، روان است و در آنکه خداوند از آسمان آب باراند، آن گاه زمین را پس از پژمردنش با آن زندگی بخشید و در آن از هر جنبه‌ای پراکند و در گرداندن بادها و ابر مسخر بین آسمان و زمین برای گروهی که خرد می‌ورزند، نشانه‌هایی است».

وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥٦﴾ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥٧﴾ [البقرة: ۲۵۵-۲۵۷].

۵- ﴿عَٰمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ عَٰمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٥٨﴾ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا

۱- یعنی: «خداوند [است که] معبود راستینی جز او نیست. زنده [و] تدبیرگر [هستی] است. غنودگی و خوابی او را فرا نمی‌گیرد. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست. چه کسی است که بدون حکم او در پیشگاهش شفاعت کند؟ گذشته و [حال و] آینده آنان را می‌داند و به چیزی از علم او جز به آنچه خود خواسته است، احاطه نمی‌یابند. کرسی [فرمانروایی] او آسمانها و زمین را فرا گرفته است و حفظ آن دو بر او گران نمی‌آید و او بلند مرتبه بزرگ [قدر] است * در [کار] دین اجباری [روا] نیست، به راستی راهیابی از گمراهی آشکار شده است. پس هر کس که به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، [بداند] که به دستاویزی [بس] محکم چنگ زده است [که] آن گسستی ندارد. و خداوند شنوای داناست * خداوند کار ساز مؤمنان است، آنان را از تاریکیها به سوی نور بیرون می‌آورد و کسانی که کفر ورزیده‌اند، کار سازانشان طاغوت‌اند که آنان را از نور به سوی تاریکیها به در می‌برند. اینان دوزخی‌اند. آنان در آنجا جاودانه خواهند بود».

وَأَغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٨٦﴾^۱
[البقرة: ۲۸۵-۲۸۷].

- ۶- ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ اللَّهِ الْأَسْلَمُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩﴾﴾^۲ [آل عمران: ۱۸-۱۹].
- ۷- ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ

۱- یعنی: «رسول [خدا] به آنچه از [سوی] پروردگارش بر او فرو فرستاده شده، ایمان آورده است و مؤمنان [هم]. هر یک به خداوند و فرشتگانش و کتابهایش و فرستادگانش ایمان آورده‌اند [و گفتند]: میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی‌گذاریم و گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا، آموزش تو را [می‌خواهیم] و بازگشت به سوی توست * خداوند هیچ کس را جز [به اندازه] توانش مکلف نمی‌سازد. [هر کس] آنچه [از کارهای نیک] که انجام دهد، به سود اوست و [هر] آنچه [از گناهان که به عمد] مرتکب شود به زیان اوست. پروردگارا، ما را [به عقوبت آنچه] اگر فراموش یا خطا کنیم، مگیر. پروردگارا، بار گران را بر [عهده] ما منه. چنان که آن را بر [عهده] آنان که پیش از ما بودند، نهادی. پروردگارا، چیزی را که توان انجامش را نداریم بر ما تکلیف مکن و از ما درگذر و ما را ببخشا. مولای ما تویی، ما را بر گروه کافران یاری ده».

۲- یعنی: «خداوند که به داد [همه امور هستی] را تدبیر می‌کند و فرشتگان و عالمان، گواهی دهند که معبود [راستینی] جز او نیست. [آری] معبود [راستینی] جز او [که] پیرومند فرزانه است، نیست * بی‌گمان دین [حق] به نزد خداوند، اسلام است. و اهل کتاب جز پس از آنکه علم یافتند [آن هم] از روی رشک در میان خود، اختلاف نکردند و هر کس به آیات خدا کفر ورزد [بداند] که خداوند زود شمار است».

وَالْقَمَرَ وَالْجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ ۚ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٥٤﴾ [الأعراف: ٥٤].

۸- ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿١١٥﴾ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿١١٦﴾ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ ۚ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿١١٧﴾ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿١١٨﴾﴾ [المؤمنون: ١١٥-١١٨].

۹- ﴿وَالصَّافَّاتِ صَفًّا ﴿١﴾ فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ﴿٢﴾ فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا ﴿٣﴾ إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ ﴿٤﴾ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشْرِقِ ﴿٥﴾ إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ ﴿٦﴾ وَحِفْظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ ﴿٧﴾ لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقَذَّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ ﴿٨﴾ دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ﴿٩﴾ إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ

۱- یعنی: «پروردگارتان، خدایی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید، آن گاه بر عرش استیلا یافت، شب را به روز می‌پوشاند در حالی که آن را به شتاب می‌طلبد. و خورشید و ماه و ستارگان را در حالی که به فرمان او مسخرند [آفرید] بدان که خلق و فرمانروایی خاص اوست. بس بزرگ است خداوند، پروردگار جهانیان».

۲- «آیا پنداشتید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم و شما به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟ * خداوند، فرمانروای راستین، [بسی] برتر است. هیچ معبود [راستینی] جز او نیست، که پروردگار عرش گرانقدر است. * و هر کس که با خداوند معبود دیگری را [به نیایش] بخواند که هیچ دلیلی به [حقانیت] آن ندارد، جز این نیست که حسابش نزد پروردگارش است. بی گمان کافران رستگار نمی‌شوند * و بگو: پروردگارا، بیامرز و ببخشای و تو بهترین بخشاینده‌ای».

شِهَابٌ ثَاقِبٌ ﴿١٠﴾^۱ [الصافات: ۱-۱۰].

۱۰- ﴿وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ ﴿١٩﴾ قَالُوا يَقَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٢٠﴾ يَقَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ ۖ يَعْفِرْ لَكُمْ مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُم مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ﴿٢١﴾ وَمَنْ لَا يُجِيبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٢﴾﴾^۲ [الأحقاف: ۲۹-۳۲].

۱- یعنی: «سوگند به [فرشتگان] صف بسته * و به [فرشتگانی که مردم را] به سختی [از گناه] باز می‌دارند * و به آنان که کتاب خدا را [چنان که باید] می‌خوانند * که معبودتان یکی است * پروردگار آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست و پروردگار مشرقهاست * ما آسمان فرودین را به زینتی [یعنی به] ستارگان آراستیم * و از [دستبرد] هر شیطان سرکشی به خوبی حفظ کردیم * [در نتیجه] به [خبرهای] ملائع اعلیٰ گوش نسپرند و از هر سو سنگباران می‌شوند * برای آنکه رانده شوند. و عذاب پیوسته دارند * مگر کسی که یکباره [خبری] را بر باید. آن گاه شعله‌ای سوزاننده به دنبالش افتد».

۲- یعنی: «و چون گروهی از جنیان را متوجه تو ساختیم، قرآن را می‌شنیدند. آن گاه چون [در نزد] او (پیامبر اکرم) حضور یافتند، گفتند: خاموش باشید. پس چون [تلاوت قرآن کریم] به پایان آمد، بیم‌کنان به سوی قومشان بازگشتند * گفتند: ای قوم ما، به راستی ما [تلاوت] کتابی را شنیدیم که پس از موسی فرو فرستاده شده است. تصدیق‌کننده [کتابهای] پیش از خود است. به حق و به راه راست رهنمون می‌شود * ای قوم ما، [دعوت] دعوتگر الهی را بپذیرید و به او ایمان آورید. تا برخی از گناهانتان را برای شما پیامرزد و شما را از عذاب دردناک در امان دارد * و کسی که [دعوت] دعوتگر خدا را نپذیرد، در زمین [راه] گریزی نداشته و او در برابر خدا دوستانی ندارد. اینان در گمراهی آشکارند».

۱۱- ﴿يَمْعَشَرُ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَنِ ﴿٣٦﴾ فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُمَا
تُكَذِّبَانِ ﴿٣٧﴾ يُرْسِلُ عَلَيْكُمْ شَوَاطِلَ مِّنْ نَّارٍ وَنُحَاسٍ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ﴿٣٨﴾
فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٩﴾﴾ [الرحمن: ۳۳-۳۶].

۱۲- ﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ
خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأُمُثُلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤١﴾ هُوَ
اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلِيمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ
﴿٤٢﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ
الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٤٣﴾ هُوَ
اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٤٤﴾﴾ [الحشر: ۲۱-۲۴].

۱- یعنی: «ای گروه جنّ و انس، اگر می‌توانید از کناره‌های آسمانها و زمین بگذرید، پس بگذرید.
جز به توانی [شگرف از آنها] نمی‌توانید بگذرید * پس کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را
دروغ می‌انگارید؟ * شعله‌ای از آتش بر شما فرستاده می‌شود و [نیز] دودی. آن گاه نمی‌توانید
انتقام بگیرید * پس کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟».

۲- یعنی: «اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، به یقین آن را از بیم خدا خاکسار و از هم
پاشیده می‌دید. و این مثلها را برای مردم می‌زنیم که آنان اندیشه کنند * اوست آن خدایی که
معبود [راستی] جز او نیست. داننده نهان و آشکار. اوست بخشاینده مهربان * اوست خدایی
که معبود [راستی] جز او نیست. پادشاه پاک سالم [از هر عیب] ایمنی دهنده نگهبان
پیروزمند جبار متکبر. خداوند از آنچه شرک می‌آورند پاک است * اوست خداوند آفریدگار نو
آفرین نقشبند. او نامهای نیک دارد. آنچه در آسمانها و زمین است او را به پاکی یاد می‌کند. و
اوست پیروزمند فرزانه».

۱۳- ﴿قُلْ أَوْحَىٰ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا ﴿١﴾ يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَن نُّشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا ﴿٢﴾ وَأَنَّهُ تَعَلَّى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَحِيبَةً وَلَا وَلَدًا ﴿٣﴾ وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا ﴿٤﴾ وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّن تَقُولَ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ﴿٥﴾ وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ﴿٦﴾ وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّن يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا ﴿٧﴾ وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا ﴿٨﴾ وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقْعِدَ لِّلسَّمْعِ فَمَن يَسْتَمِعْ أَلاَّ نَحِيْدَ لَهُوْ شِهَابًا رَّصَدًا ﴿٩﴾﴾ [الجن: ۱-۹].

۱۴- ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾ وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾﴾ [الاخلاص: ۱-۴].

۱- یعنی: «بگو: به من وحی شده است که گروهی از جنیان [به قرآن] گوش فرا دادند، آن گاه گفتند: بی گمان قرآنی شگفت شنیدیم * که به سوی راستی راه می نماید پس به آن ایمان آوردیم و هرگز کسی را با پروردگار خویش شریک نمی آوریم * و [می دانیم] آنکه شأن و شکوه پروردگاران بس بلند است. همسری و فرزندی برنگرفته است * و [می دانیم] آنکه کم خردان ما در حق خداوند سخن نادرست می گویند * و ما گمان می کردیم که آدمی و پری هرگز بر خداوند دروغ نمی بندند * و آنکه کسانی از آدمیان به کسانی از جنیان پناه می بردند و [با این کار] بر سرکشی آنان افزودند * و آنان- چنان که شما پنداشتید- گمان کردند که خداوند هرگز کسی را [به نبوت] بر نمی انگیزد * و آنکه ما رو به سوی آسمان نهادیم و آن را چنان یافتیم که از محافظانی نیرومند و شهابهایی پر شده است * و آنکه ما برای [دزدیده] شنیدن [خبر] به نشستگاههایی می نشستیم. [اما] اگر کسی اینک گوش فرا دهد برای خویش شهابی آماده می یابد».

۲- یعنی: «بگو: خداوند است که یگانه است * خداوند بی نیاز است * نه [فرزند] زاده و نه زاده شده است * و هیچ کس همتای او [نبوده] و نیست».

۱۵- ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿٢﴾ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿٤﴾ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾﴾^۱ [الفلق: ۱-۵].

۱۶- ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿١﴾ مَلِكِ النَّاسِ ﴿٢﴾ إِلَهِ النَّاسِ ﴿٣﴾ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ﴿٤﴾ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ﴿٥﴾ مِنَ الْغِيَةِ وَالنَّاسِ ﴿٦﴾﴾^۲ [الناس: ۱-۶].

بعد از تلاوت آیات یا جنی از بدن آن شخص بیرون می‌شود و یا اینکه یکی از حالات زیر مشاهده می‌شود:

- ۱- مریض غش می‌کند.
- ۲- فریاد می‌زند.
- ۳- دست بر گوشه‌هایش می‌گذارد.
- ۴- فریاد می‌زند و می‌گوید: قرآن نخوان.
- ۵- صداهاى عجیبی مانند صدای حیوانات بیرون می‌آورد.
- ۶- چشمانش را می‌بندد.
- ۷- بدنش شروع به لرزش می‌کند.

آنگاه بعد از مشاهده این علامات او را مخاطب قرار بده و از وی سوالها بپرس:

۱- یعنی: «بگو: به پروردگار سپیده دم پناه می‌برم * از شرّ هر آنچه آفریده است * و از شرّ شب تاریک چون تاریکی‌اش همه چیز را [فرو پوشاند * و از شرّ [زنان جادوگر] دمنده در گره‌ها * و از شرّ رشکوز چون رشک ورزد».

۲- یعنی: «بگو: به پروردگار مردم پناه می‌برم * فرمانروای مردم * معبود مردم * از شرّ وسوسه‌گر باز پس رونده [به هنگام یاد خدا] * کسی که در دلهای مردم وسوسه می‌کند * از جتّیان [باشد] یا از مردمان».

- نامت چیست؟
- چه دیانتی داری؟
- علت داخل شدن به بدن این شخص چیست؟
- آیا کسی دیگر نیز همراه تو است؟
- آیا به دستور شخص سحر گری به بدن این شخص داخل شده ای؟
- در کجای بدن هستی؟

پس اگر جنی مسلمان باشد او را پند و اندرز بده و او را نصیحت کن، و سبب داخل شدنش را بدان، اگر بخاطر ظلم و ستم این کار کرده برایش بیان کن که سر انجام ستمکاران در روز قیامت سخت است، اگر مسئله عشق و عاشقی است بگو: این عمل درست نیست و او را از عذاب الهی بترسان، و اگر بخاطر این بوده که شخص در حق او ستم کرده برایش بگو: این شخص قصد آزار و اذیت نداشته زیرا تو را ندیده، و کسی که متعمدا کاری نکرده سزاوار عقوبت نیست، و مسلمان برادر مسلمان است.

پس اگر پذیرفت و بیرون شد خدا را سپاس بگوئید.

و قبل از بیرون شدنش باید عهد ببندد که دیگر برنگردد و به کسی آزار نرساند، و چنین بگوید:

«با خدای بزرگ عهد و پیمان می‌بندم که بدون آزار و اذیت از بدن این شخص بیرون شوم، و هرگز بسوی او یا مسلمان دیگری بر نمی‌گردم و هیچ مسلمانی را اذیت نکنم، اگر من عهد خودم را شکستم پس لعنت و نفرین خداوند و فرشتگان و همه مردم بر من باد».

بعد از عهد بستن با گفتن سلام علیکم از بدن بیرون می‌شود. و نکته ای که باید توجه داشت این است که باید از انگشتان دست یا پایش، و یا گوش و یا بینی و یا دهانش بیرون شود. و هرگز به وی اجازه ندهید که از چشم یا شکمش بیرون شود.

- اما اگر جنی کافر باشد قبل از هر چیز او را به اسلام دعوت بده، پس اگر پذیرفت و مسلمان شد برایش بیان کن که و جودش در بدن این شخص و آزار رساندن به وی ظلم است و باید از او بیرون شود.

و در صورت نپذیرفتن اسلام و اصرار بر کفر و اذیت و آزار این شخص، او را تهدید کن و آن آیات سابق را تکرار کن و «آیت الکرسی» و سوره‌های «یس» و «صافات» و «دخان» و «جن» و «حشر» و «همزه» و «أعلى» که به جن آزار و رنج می‌رساند بخوان.

اگر باز هم از بیرون شدن انکار کرد با زدن برشانه‌ها و ران و بازویش او را مجبور به بیرون رفتن بکن.

مرحله سوم: بعد از علاج:

برای اینکه جنی نتواند بار دیگر به بدن این شخص برگردد لازم است که به وی دستورات زیر داده شود:

- ۱- پایبندی و محافظت بر طاعت و عبادت، و بخصوص نمازهای پنجگانه را با جماعت خواندن.
- ۲- دوری از گناهان و منکرات.
- ۳- خواندن «سوره بقره» در منزل.
- ۴- با وضو خوابیدن.
- ۵- خواندن آیت الکرسی قبل از خواب.
- ۶- خواندن دعای خواب.
- ۷- خواندن «سوره تبارک» قبل از خوابیدن، اگر سواد خواندن ندارد به نوار یا قرائت کسی گوش فرا دهد.
- ۸- خواندن «سوره یس» یا گوش گرفتن آن در هنگام صبح.
- ۹- در انجام هر کاری «بسم الله» گفتن.

- ۱۰- خواندن اذکار و اوراد صبح و شام.
- ۱۱- تنها نخوابیدن.
- ۱۲- اگر مریض زن است باید او را به اداء کردن حق شوهر، و رعایت حجاب شرعی امر کرد.
- ۱۳- خواندن سوره یا یا جزئی از قرآن یا شنیدن آن در شبانه روز.

چند نصیحت برای در امان بودن از شر جن

- ۱- بر اذکار و اوراد صبح و شام محافظت کن.
 - ۲- قرآن را بسیار تلاوت کن و یا به آن گوش فرا بده.
 - ۳- هرگاه از جای بلندی پریدی «بسم الله» بگو.
 - ۴- هرگاه آب داغ روی زمین رختی «بسم الله» بگو.
 - ۵- هرگاه وارد اتاق تاریکی شدی «بسم الله» بگو.
 - ۶- هرگاه چیز سنگینی بر زمین انداختی «بسم الله» بگو.
 - ۷- هرگز در سوراخ ادرار نکن.
 - ۸- تنها نخواب، در صورت مجبور بودن حتما با وضو بخواب اذکار خواب را فراموش نکن.
 - ۹- به سگی یا گربه ای آزار نرسان.
 - ۱۰- به تنهای در شب به صحرا نرو.
 - ۱۱- ماری که در منزل دیده می شود نکش، و در این مسئله به نکات زیر توجه کن:
- هرگاه در خانه ات ماری دیدی سه روز به او هشدار بده و به او بگو: «شما را قسم می دهم به آن عهدی که سلیمان بن داود از شما گرفته است که به ما آزار و اذیت نکنید و دوباره ظاهر نشوید»^۱.

۱- به شرح صحیح مسلم (۴۹۴/۷) رجوع شود.

اگر بعد از سه روز دوباره آشکار شد او را بکش.

- اگر بعد از سه روز دوباره ظاهر شد و او را کشتی پس در این صورت یا شیطان است یا جن یهودی یا مسیحی است و یا جن مسلمان سرکش و ستمگری است و یا مار حقیقی است.

هرگاه در خانه ماری دیدی که دو خط سفید یا سیاه روی کمرش است، و یا مار دم کوتاهی دیدی فوراً او را بکش چون که پیامبر اسلام دستور کشتن مارهایی که دارای چنین صفتی هستند داده‌اند.

- در خارج از منزل هر نوع ماری که دیدی بکش زیرا که پیامبر ﷺ فقط از کشتن مارهای که در خانه است نهی نموده است.

در پایان از خداوند کریم خواهیم که به فضل کرم خویش گناهانم را عفو نماید. و رفتگانم را بیا مرزد و آنان را در فردوس برین جای دهد. و همه‌ی ما و شما را از شر شیاطین مصون و در امان بدارد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

حسین تاجی گله داری

بیست رجب ۱۴۲۱ هجری

۱۳۷۹ شمسی